

## بررسی رباعی "شمع اصحاب" حکیم عمر خیام و تابلوی مینیاتور "در فروغ سوختن"

### اثر استاد محمود فرشچیان

### منصوره نادری نسب

### زندگی‌نامه خیام

**غیاث‌الدین ابوالفتح عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری** (زاده ۲۸ اردیبهشت ۴۲۷ خورشیدی در نیشابور - درگذشته ۱۲ آذر ۵۱۰ خورشیدی در نیشابور) که **خیامی** و **خیام نیشابوری** و **خیامی النیشابوری** هم نامیده شده‌است، فیلسوف، ریاضی‌دان، ستاره‌شناس و رباعی سرای ایرانی در دوره ی سلجوقی است. گرچه پایگاه علمی خیام برتر از جایگاه ادبی او است و لقبش «حجة‌الحق» بوده‌است؛ ولی آوازه ی وی بیشتر به واسطه ی نگارش رباعیاتش است که شهرت جهانی دارد. افزون بر آن‌که **رباعیات خیام** را به اغلب زبان‌های زنده ترجمه نموده‌اند، ادوارد فیتزجرالد رباعیات او را به زبان انگلیسی ترجمه کرده‌است که مایه ی شهرت بیشتر وی در مغرب‌زمین گردیده‌است.

یکی از برجسته‌ترین کارهای وی را می‌توان اصلاح گاهشماری ایران در زمان وزارت خواجه نظام‌الملک، که در دوره ی سلطنت ملک‌شاه سلجوقی (۴۲۶ - ۴۹۰ هجری قمری) بود، دانست. وی در ریاضیات، علوم ادبی، دینی و تاریخی استاد بود. نقش خیام در حل معادلات درجه سوم و مطالعاتش درباره ی اصل پنجم اقلیدس نام او را به عنوان ریاضی‌دانی برجسته در تاریخ علم ثبت کرده‌است. ابداع نظریه‌ای درباره ی نسبت‌های هم‌ارز با نظریه ی اقلیدس نیز از مهم‌ترین کارهای اوست.

شماره ی از **تذکره‌نویسان**، خیام را شاگرد **ابن سینا** و شماری نیز وی را شاگرد **امام موفق نیشابوری** خوانده‌اند. صحت این فرضیه که خیام شاگرد ابن سینا بوده‌است، بسیار بعید می‌نماید، زیرا از لحاظ زمانی با هم تفاوت زیادی داشته‌اند. خیام در جایی ابن سینا را استاد خود می‌داند اما این استادی ابن سینا، جنبه ی معنوی دارد.

عمر خیام در سده پنجم هجری در نیشابور زاده شد. فقه را در میانسالی در محضر امام موفق نیشابوری آموخت؛ حدیث، تفسیر، فلسفه، حکمت و ستاره‌شناسی را فراگرفت. برخی نوشته‌اند که او فلسفه را مستقیماً از زبان یونانی فرا گرفته بود.

در حدود ۴۴۹ تحت حمایت و سرپرستی ابوطاهر، قاضی‌القضات سمرقند، کتابی درباره ی معادله‌های درجه ی سوم به زبان عربی نوشت تحت نام *رساله فی البراهین علی مسائل الجبر و المقابله* و از آن‌جاکه با نظام‌الملک طوسی رابطه‌ای نیکو داشت، این کتاب را پس از نگارش به خواجه تقدیم کرد. پس از این دوران خیام به دعوت سلطان جلال‌الدین ملک‌شاه سلجوقی و وزیرش نظام‌الملک به اصفهان می‌رود تا سرپرستی رصدخانه ی اصفهان را به‌عهده گیرد. او هجده سال در آن‌جا مقیم می‌شود. به مدیریت او زیج ملک‌شاهی تهیه می‌شود و در همین سال‌ها (حدود ۴۵۸) طرح اصلاح تقویم را تنظیم می‌کند. تقویم جلالی را تدوین کرد که به نام جلال‌الدین ملک‌شاه شهره‌است، اما پس از مرگ ملک‌شاه کاربستی نیافت. در این دوران خیام به‌عنوان اختربین در دربار خدمت می‌کرد هرچند به اختربینی اعتقادی نداشت در همین سال‌ها (۴۵۶) مهم‌ترین و تأثیرگذارترین اثر ریاضی خود را با نام *رساله فی شرح ما شکل من مصادرات اقلیدس* را می‌نویسد و در آن خطوط موازی و نظریه ی نسبت‌ها را شرح می‌دهد. همچنین گفته می‌شود که خیام هنگامی که سلطان سنجر، پسر ملک‌شاه در کودکی به آبله گرفتار بوده وی را درمان نموده‌است. پس از درگذشت ملک‌شاه و کشته شدن نظام‌الملک، خیام مورد بی‌مهری قرار گرفت و کمک مالی به رصدخانه قطع شد بعد از سال ۴۷۹ اصفهان را به قصد اقامت در مرو که به عنوان پایتخت جدید سلجوقیان انتخاب شده بود، ترک کرد. احتمالاً در آن‌جا *میزان‌الحکم و قسطاس‌المستقیم* را نوشت. *رساله ی مشکلات الحساب* (مسائلی در حساب) احتمالاً در همین سال‌ها نوشته شده‌است. غلامحسین مراقبی گفته‌است که خیام در زندگی زن نگرفت و همسر برنگزید.

باغی که آرامگاه خیام در آن قرار دارد، تصویر از کنار آرامگاه امامزاده محروق گرفته شده‌است و در ورودی قدیمی این باغ در تصویر دیده می‌شود.

مرگ خیام را میان سال‌های ۵۱۷-۵۲۰ هجری می‌دانند که در نیشابور اتفاق افتاد. گروهی از تذکره‌نویسان نیز وفات او را ۵۱۶ نوشته‌اند، اما پس از بررسی‌های لازم مشخص گردیده که تاریخ وفات وی سال ۵۱۷ بوده‌است. مقبره ی وی هم اکنون در شهر نیشابور، در باغی که آرامگاه امامزاده محروق در آن واقع می‌باشد، قرار گرفته‌است.

## شرایط دوران خیام

در زمان خیام فرقه‌های مختلف سنی و شیعه، اشعری و معتزلی سرگرم بحث‌ها و مجادلات اصولی و کلامی بودند. فیلسوفان پیوسته توسط قشرهای مختلف به کفر متهم می‌شدند. تعصب، بر فضای جامعه چنگ انداخته بود و کسی جرئت ابراز نظریات خود را نداشت - حتی امام محمد غزالی نیز از اتهام کفر در امان نماند. اگر به سیاست‌نامه ی خواجه نظام‌الملک بنگریم، این اوضاع کاملاً بر ما روشن خواهد بود. در آن جا، خواجه نظام همه ی معتقدان به مذهبی خلاف مذهب خود را به شدت می‌کوبد و همه را منحرف از راه حق و ملعون می‌داند. از نظر سیاست نیز وقایع مهمی در عصر خیام رخ داد:

۱. سقوط دولت آل بویه
۲. قیام دولت سلجوقی
۳. جنگ‌های صلیبی
۴. ظهور باطنیان

در اوایل دوران زندگی خیام، ابن سینا و ابوریحان بیرونی به اواخر عمر خود رسیده بودند. نظامی عروضی سمرقندی او را «حجة الحق» و ابوالفضل بیهقی «امام عصر خود» لقب داده‌اند. از خیام به عنوان جانشین ابن‌سینا و استاد بی‌بدیل فلسفه طبیعی (مادی) ریاضیات، منطق و متافیزیک یاد می‌کنند.

## القاب خیام

حکیم حجة الحق، خواجه، امام، الفیلسوف حجة الحق، خواجه امام، حکیم جهان و فیلسوف گیتی، الشیخ الامام، الشیخ الاجل حجة الحق، علامه ی خواجه، قدوه ی الفضل، سلطان العلماء، ملک الحکماء، امام خراسان، من اعیان المنجمین، الحکیم الفاضل الاوحد، خواجه ی حکیم، الحکیم الفاضل، نادره ی فلک، تالی ابن سینا، حکیم عارف به جمیع انواع حکمت به ویژه ریاضی، مسلط بر تمامی اجزای حکمت و ریاضیات و معقولات، در اکثر علوم خاصه در نجوم سرآمد زمان، فیلسوف الوقت، سیدالمحققین، ملک الحکماء، الادیب الاریب الخطیر، الفلکی الکبیر، حجة الحق والیقین، نصیرالحکمة و الدین، فیلسوف العالمین، نصره الدین، الحیر الهمام، سیدالحکماءالمشرق و المغرب، السیدالاجل، فیلسوف العالم، به طور قطع در حکمت و نجوم بی‌همتا، علامه ی دوران، بر دانش یونان مسلط و غیره.

## خیام در افسانه

### انابه

افسانه‌هایی چند پیرامون خیام وجود دارد. یکی از این افسانه‌ها از این قرار است که خیام می‌خواست باده بنوشد ولی بادی وزید و کوزه میش را شکست. پس خیام چنین سرود:

ابریق می مرا شکستی، ری  
بر من در عیش را بیستی، ری  
من می خورم و تو می‌کنی بدمستی  
ری خاکم به دهن مگر که مستی،

پس چون این شعر کفرآمیز را گفت خدا روی وی را سیاه کرد. پس خیام پشیمان شد و برای پوزش از خدا این بیت را سرود:

ناکرده گنه در این جهان کیست بگو ! آن کس که گنه نکرد چون زیست بگو!  
من بد کنم و تو بد مکافات دهی پس فرق میان من و تو چیست بگو!

و چون اینگونه از خداوند پوزش خواست رویش دوباره سفید شد. البته جدا از افسانه‌ها در اینکه این دو رباعی بالا از خیام باشند جای شک است.

## ای رفته و باز آمده بل هم گشته

در افسانه‌های دیگر، چنین آمده که روزی خیام با شاگردان از نزدیکی مدرسه‌ای می‌گذشتند. عده‌ای، مشغول ترمیم آن مدرسه بودند و چارپایانی، مدام بارهایی (شامل سنگ و خشت و غیره) را به داخل مدرسه می‌بردند و بیرون می‌آمدند. یکی از آن چارپایان از وارد شدن به مدرسه ابا می‌کرد و هیچ کس قادر نبود او را وارد مدرسه کند. چون خیام این اوضاع را دید، جلو رفت و در گوش چارپا چیزی گفت. سپس چارپا آرام شد و داخل مدرسه شد. پس از این که خیام بازگشت، شاگردان پرسیدند که ماجرا چه بود؟

خیام بازگفت که آن خر، یکی از محصلان همین مدرسه بود و پس از مردن، به این شکل در آمده و دوباره به دنیا بازگشته بود ( اشاره به نظریه ی تناسخ) و می‌ترسید که وارد مدرسه بشود و کسی او را بشناسد و شرمنده گردد. من این موضوع را فهمیدم و در گوشش خواندم:

ای رفته و باز آمده بل هم گشته  
نامت ز میان مردمان گم گشته  
ناخن همه جمع آمده و سم گشته  
ریش ز عقب در آمده دم گشته

و چون متوجه شد که من او را شناختم، تن به درون مدرسه رفتن در داد.

## سه یار دبستانی

بنا به روایتی خیام، حسن صباح و خواجه نظام‌الملک به سه یار دبستانی معروف بوده‌اند که در بزرگی هر یک به راهی رفتند. حسن رهبری فرقه ی اسماعیلیه را به عهده گرفت، خواجه نظام‌الملک سیاست‌مداری بزرگ شد و خیام شاعر و متفکری گوشه‌گیر که در آثارش اندیشه‌های بدیع و دلهره و اضطرابی از فلسفه هستی و جهان وجود دارد.

برپایه داستان سه یار دبستانی این سه در زمان کودکی با هم قرار گذاشتند که هر کدام اگر به جایگاهی رسید آن دو دیگر را یاری رساند. هنگامی که نظام‌الملک به وزیری سلجوقیان رسید به خیام فرمانروایی بر نیشابور و گرداگرد آن سامان را پیشنهاد کرد، ولی خیام گفت که سودای ولایت‌داری ندارد. پس نظام‌الملک ده‌هزار دینار مقرری برای او تعیین کرد تا در نیشابور به او پرداخت کنند.

چنان که فروغی در مقدمه ی تصحیحش از خیام اشاره کرده‌است این داستان سند معتبری ندارد و تازه اگر راست باشد حسن صباح و خیام هر دو باید بیش از ۱۲۰ سال عمر کرده باشند که بسیار بعید است. به علاوه هیچ یک از معاصران خیام هم به این داستان اشاره نکرده است.

## دستاوردهای خیام

### ریاضیات

س. ا. کانسوا گفته: «در تاریخ ریاضی سده‌های ۱۱ و ۱۲ و شاید هم بتوان گفت در تمام سده‌های میانه حکیم عمر خیام متولد نیشابور خراسان نقش عمده‌ای داشته‌است.»

پیش از کشف رساله خیام در جبر، شهرت او در مشرق‌زمین به واسطه اصلاحات سال و ماه ایرانی و در غرب به واسطه ترجمه رباعیاتش بوده‌است. اگر چه کارهای خیام در ریاضیات (به ویژه در جبر) به صورت منبع دست اول در بین ریاضی‌دانان اروپایی سده ی ۱۹ میلادی مورد استفاده نبوده‌است، می‌توان رد پای خیام را به واسطه طوسی در پیشرفت ریاضیات در اروپا دنبال کرد. قدیمی‌ترین کتابی که از خیام اسمی به میان آورده و نویسنده ی آن هم‌دوره خیام بوده، نظامی عروضی مؤلف «چهار مقاله» است. ولی او خیام را در ردیف منجمین ذکر می‌کند و اسمی از رباعیات او نمی‌آورد.

او نخستین کسی بود که نشان داد معادله ی درجه ی سوم ممکن است دارای بیش از یک جواب باشد و یا این که اصلاً جوابی نداشته باشند. «آنچه که در هر حالت مفروض اتفاق می‌افتد بستگی به این دارد که مقاطع مخروطی‌ای که وی از آنها استفاده می‌کند در هیچ نقطه یکدیگر را قطع نکنند، یا در یک یا دو نقطه یکدیگر را قطع کنند.» گفته: «نخستین کسی بود که گفت معادله ی درجه ی سوم را نمی‌توان عموماً با تبدیل به معادله‌های درجه ی دوم حل کرد، اما می‌توان با بکار بردن مقاطع مخروطی به حل آن دست یافت. گفته: «در مورد جبر، کار خیام در ابداع نظریه ی هندسی معادلات درجه ی سوم موفق‌ترین کاری است که دانشمندی مسلمان انجام داده‌است.» همچنین گفته: «در مورد جبر، کار خیام در ابداع نظریه ی هندسی معادلات درجه ی سوم موفق‌ترین کاری است که دانشمندی مسلمان انجام داده‌است.»

یکی دیگر از آثار ریاضی خیام رساله فی شرح ما اشکل من مصادرات اقلیدس است. او در این کتاب اصل موضوعه ی پنجم اقلیدس را درباره ی قضیه ی خطوط متوازی که شالوده ی هندسه ی اقلیدسی است، مورد مطالعه قرار داد و اصل پنجم را اثبات کرد. به نظر می‌رسد که تنها نسخه کامل باقیمانده از این کتاب در کتابخانه لایدن در هلند قرار دارد. «در نیمه ی اول سده ی هیجدهم، ساکری اساس نظریه ی خود را درباره ی خطوط موازی بر مطالعه ی همان چهارضلعی دوقائمه ی متساوی‌الساقین که خیام فرض کرده بود قرار می‌دهد و کوشش می‌کند که فرضهای حاده و منفرجه‌بودن دو زاویه ی دیگر را رد کند.»

در کتاب دیگری از خیام که اهمیت ویژه‌ای در تاریخ ریاضیات دارد رساله ی مشکلات الحساب (مسائلی در حساب) هرچند این رساله کشف کرده و  $(a+b)^n$  هرگز پیدا نشد اما خیام خود به این کتاب اشاره کرده‌است و ادعا می‌کند قواعدی برای بسط دوجمله‌ای اثبات ادعایش به روش جبری در این کتاب است. بنابراین از دیگر دست‌آوردهای وی موفقیت در تعیین ضرایب بسط دو جمله‌ای (بینوم نیوتن) است که البته تا سده قبل نامکشوف مانده بود و به احترام سبقت وی بر اسحاق نیوتن در این زمینه در بسیاری از کتب دانشگاهی و مرجع این دو جمله‌ای‌ها «**دو جمله‌ای خیام-نیوتن**» نامیده می‌شوند. نوشتن این ضرایب به صورت منظم مثلث خیام-پاسکال را شکل می‌دهد که بیانگر رابطه ای بین این ضرایب است.

توسط طوسی (که بیشترین تأثیر را از خیام گرفته) در کتاب «جوامع الحساب» آورده  $n = 12$  به هر حال قواعد این بسط تا شده‌است. روش خیام در به دست آوردن ضرایب منجر به نام گذاری مثلث حسابی این ضرایب به نام مثلث خیام شد، انگلیسی زبان‌ها آن را به نام مثلث پاسکال می‌شناسند که البته خدشه‌ای بر پیشگامی خیام در کشف روشی جبری برای این ضرایب نیست.

## ستاره‌شناسی

یکی از برجسته‌ترین کارهای وی را می‌توان اصلاح گاهشماری ایران در زمان وزارت خواجه نظام‌الملک، که در دوره ی سلطنت ملک‌شاه سلجوقی (۴۲۶-۵۹۰ هجری قمری) بود، دانست. وی بدین منظور مدار گردش کره زمین به دور خورشید را تا ۱۶ رقم اعشار محاسبه نمود.

خیام در مقام ریاضی‌دان و ستاره شناس تحقیقات و تالیفات مهمی دارد. از جمله آنها رساله فی البراهین علی مسائل الجبر و المقابله است که در آن از جبر عمدتاً هندسی خود برای حل معادلات درجه سوم استفاده می‌کند. او معادلات درجه دوم را از روش‌های هندسی اصول اقلیدس حل می‌کند و سپس نشان می‌دهد که معادلات درجه سوم با قطع دادن مقاطع مخروطی با هم قابل حل هستند. برکن معتقد است که «هر کس که ترجمه ی انگلیسی [جبر خیام] به توسط کثیر را بخواند استدلالات خیام را بس روشن خواهد یافت و، نیز، از نکات متعدد جالب توجهی در تاریخ انواع مختلف معادلات مطلع خواهد شد.» مسلم است که خیام در رساله‌هایش از وجود جواب‌های منفی و موهومی در معادلات آگاهی نداشته‌است و جواب صفر را نیز در نظر نمی‌گرفته است..

## موسیقی

خیام به تحلیل ریاضی موسیقی نیز پرداخته‌است و در *القول علی اجناس التی بالارباعاء* مساله ی تقسیم یک چهارم را به سه فاصله مربوط به مابه‌های بی‌نیم‌پرده، با نیم‌پرده ی بالارونده، و یک چهارم پرده را شرح می‌دهد.

## ادبیات

خیام زندگی‌اش را به عنوان ریاضیدان و فیلسوفی شهیر سپری کرد، در حالی که معاصرانش از رباعیاتی که امروز مایه شهرت و افتخار او هستند بی‌خبر بودند معاصران خیام نظیر نظامی عروضی یا ابوالحسن بیهقی از شاعری خیام یادی نکرده‌اند. صادق هدایت در این باره می‌گوید.

گویا ترانه‌های خیام در زمان حیاتش به واسطه ی تعصب مردم مخفی بوده و تدوین نشده و تنها بین یکدسته از دوستان هم‌رنگ و صمیمی او شهرت داشته یا در حاشیه ی جنگ‌ها و کتب اشخاص باذوق بطور قلم‌انداز چند رباعی از او ضبط شده، و پس از مرگش منتشر گردیده [است].

قدیمی‌ترین کتابی که در آن از خیام شاعر یادی شده‌است، کتاب *خریده القصر* از عمادالدین کاتب اصفهانی است. این کتاب به زبان عربی و در سال ۵۷۲ یعنی نزدیک به ۵۰ سال پس از مرگ خیام نوشته شده‌است. کتاب دیگر *مرصادالعباد* نجم‌الدین رازی است. این کتاب حدود ۱۰۰ سال پس از مرگ خیام در ۶۲۰ قمری تصنیف شده‌است. نجم‌الدین صوفی متعصبی بوده که از نیش و کنایه به خیام به خاطر افکار کفرآمیزش دریغ نکرده‌است. کتاب‌های قدیمی (پیش از سده ی نهم) که اشعار خیام در آنها آمده‌است و مورد استفاده ی مصححان قرار گرفته‌اند علاوه بر *مرصادالعباد* از قرار زیرند: *تاریخ جهانگشا* (۶۵۸ ق)، *تاریخ گزیده ی حمدالله مستوفی* (۷۳۰ ق)، *نزهة المجالس* (۷۳۱ ق)، *مونس الاحرار* (۷۴۱ ق). جنگی از منشآت و اشعار که سعید نفیسی در کتابخانه ی مجلس شورای ملی جنگ یافت و در سال ۷۵۰ قمری کتابت شده‌است و همچنین مجموعه‌ای تذکره‌مانند که قاسم غنی در کتابخانه ی شورای ملی یافت که مشتمل بر منتخب اشعار سی شاعر است و پنج رباعی از خیام دارد.

با کنار گذاشتن رباعیات تکراری ۵۷ رباعی به دست می‌آید. این ۵۷ رباعی که تقریباً صحت انتساب آنها به خیام مسلم است کلیدی برای تصحیح و شناختن سره از ناسره به دست مصححان می‌دهد. با کمک این رباعی‌ها زبان شاعر و مشرب فلسفی وی تا حد زیادی آشکار می‌شود. زبان خیام در شعر طبیعی و ساده و از تکلف به دور است و در شعر پیرو کسی نیست وانگهی هدف خیام از سرودن رباعی شاعری به معنی متعارف نبوده‌است بلکه به واسطه ی داشتن ذوق شاعری نکته‌بینی‌های فلسفی خود را در قالب شعر بیان کرده‌است.

## مضمون اشعار و مشرب فلسفی خیام

در *ترانه‌های خیام* دسته‌بندی کلی‌ای از مضامین رباعیات خیام ارائه می‌دهد و ذیل هر یک از عناوین رباعی‌های مرتبط با صادق هدایت موضوع را می‌آورد:

- راز آفرینش
- درد زندگی
- از ازل نوشته
- گردش دوران
- ذرات گردنده
- هر چه بادا باد
- هیچ است
- دم را دریا بیم

## پیروان خیام

بر این باور است که حافظ از تشبیهات خیام بسیار استفاده کرده‌است، تا حدی که از متفکرترین و بهترین پیروان خیام به صادق هدایت شمار می‌آید. هر چند که به نظر او افکار حافظ به فلسفه ی خیام نمی‌رسد، اما بنا به نظر صادق هدایت حافظ این نقص را با الهامات شاعرانه و تشبیهات رفع کرده‌است و برای نمونه به قدری شراب را زیر تشبیهات پوشانده که تعبیر صوفیانه از آن می‌شود. اما خیام این پرده پوشی را ندارد. برای نمونه حافظ درباره ی بهشت با ترس سخن می‌گوید:

باغ فردوس لطیف است و لیکن زینهار      کشت تو غنیمت شمر این سایه ی بید و لب

اما خیام بدون پرده‌پوشی می‌گوید:

گویند بهشت و حور عین خواهد بود      آنجا می‌ناب و انگبین خواهد بود  
گر ما می و معشوقه گزیدیم چه باک؟      بود چون عاقبت کار چنین خواهد

از کسانی است که کاملاً تحت تاثیر افکار خیام در آمده و نمایشنامه ی رویای خیام هماهنگی فکری او را با شاعر موریس بوشور ایرانی به خوبی نشان می‌دهد. همچنین ارمان رنو و آندره ژید هم از او مایه گرفته اند. دو کامارگو شاعر اسپانیایی نیز افکار خیام را در قالب شعر نو ریخت و متن اسپانیایی آنها را در سراسر آمریکای لاتین و متن فرانسوی را در اروپا رواج داد. دیگر از کسانی که از خیام الهام گرفته اند و یا به تمجید او پرداختند، عبارتند از: «آندره ژید»، «ژان لاهور»، «شارل گرولو»، «ژان مارک برنارد» و «شاپلن».

## آثار خیام

خیام آثار علمی و ادبی بسیاری تألیف کرده‌است.

او میزان الحکمت را درباره فیزیک و لوازم الامکنت را در دانش هواشناسی نوشت. نوروزنامه دیگر اثر ادبی اوست، در پدیداری نوروز و آیین پادشاهان ایرانی و اسب و زر و قلم و شراب که در حدود ۴۹۵ هجری قمری نگاشته شده‌است. کتاب جبر و مقابله خیام با تلاش دانش پژوهان اروپایی در سال ۱۷۴۲ در یکی از کتابخانه‌های لیدن یافته شد. این کتاب در ۱۸۱۵ توسط تنی چند از دانشمندان فرانسوی ترجمه و منشر شد.

- رساله فی البراهین علی مسائل الجبر و المقابله به زبان عربی، در باره ی معادلات درجه ی سوم.

- رساله فی شرح ماشکل من مصادرات کتاب اقلیدس در مورد خطوط موازی و نظریه ی نسبت‌ها.
- رساله میزان‌الحکمه. «راه‌حل جبری مساله ی تعیین مقادیر طلا و نقره را در آمیزه(آلیاژ) معینی به وسیله ی وزنهای مخصوص بدست می‌دهد.»
- قسطاس المستقیم
- رساله ی مسائل الحساب، این اثر باقی مانده‌است.
- القول علی اجناس التی بالاربعاء، اثری درباره ی موسیقی.
- رساله کون و تکلیف به عربی درباره حکمت خالق در خلق عالم و حکمت تکلیف که خیام آن را در پاسخ پرسش امام ابونصر محمدبن ابراهیم نسوی در سال ۴۷۳ نوشته‌است و او یکی از شاگردان پورسینا بوده و در مجموعه جامع البدایع باهتمام سید محی الدین صبری بسال ۱۲۳۰ و کتاب خیام در هند به اهتمام سلیمان ندوی سال ۱۹۳۳ میلادی چاپ شده‌است.
- رساله روضةالقلوب در کلیات وجود
- رساله ضیاء العلی
- رساله‌ای در صورت و تضاد
- ترجمه خطبه ابن سینا
- رساله‌ای در صحت طرق هندسی برای استخراج جذر و کعب
- رساله مشکلات ایجاب
- رساله‌ای در طبیعیات
- رساله‌ای در بیان زیگ ملکشاهی
- رساله نظام‌الملک در بیان حکومت
- رساله لوازم‌الاکمنه
- اشعار عربی خیام که در حدود ۱۹ رباعی آن بدست آمده‌است.
- نوروزنامه، از این کتاب دو نسخه خطی باقی مانده‌است. یکی نسخه ی لندن و دیگری نسخه برلن.
- رباعیات خیام به زبان فارسی که در حدود ۲۰۰ چارینه (رباعی) یا بیشتر از حکیم عمر خیام است و زائد بر آن مربوط به خیام نبوده بلکه به خیام نسبت داده شده.
- عیون‌الحکمه
- رساله معراجیه
- رساله در علم کلیات
- رساله در تحقیق معنی وجود

### چهره جهانی خیام



"تندیس خیام در بخارست، پایتخت رومانی"

در جهان خیام به عنوان یک شاعر، ریاضیدان و اخترشناس شناخته شده است. هرچند که اوج شناخت جهان از خیام را می‌توان پس از ترجمه شعرهای وی به وسیله ادوارد فیتزجرالد دانست. این در حالی است که بسیاری از پژوهشگران شماری از شعرهای ترجمه شده به وسیله فیتزجرالد را سروده خیام نمی‌دانند و این خود سبب تفاوت‌هایی در شناخت خیام در نگاه ایرانی‌ها و غربی‌ها شده است. تأثیرات خیام بر ادبیات غرب از مارک تواین تا تی. اس الیوت او را به نماد فلسفه شرق و شاعر محبوب روشنفکران جهان تبدیل کرده است.

در سال ۱۸۷۵ «گارسن دوتاسی» خاورشناس معروف فرانسوی تعداد ۱۰ رباعی از خیام را به فرانسه برده بود ولی ۱۰ سال بعد کنسول فرانسه که زبان فارسی را خوب می‌دانست ولی به فلسفه و اندیشه و اعتقاد خیام آگاهی نداشت خیام را یک «صوفی» معرفی کرد و تعداد زیادی از رباعیات خیام و منسوب بدو را به فرانسه برد. همین بی‌خبری از فکر خیام موجب شد که تئوفیل گوتیه او را شاعری رند حساب کند. نظر گوتیه نسبت به خیام و شرح و تفصیل اشعارش موجب شد که فرانسویان نسبت به این شاعر ایرانی علاقه‌ی زیادی نشان دهند.

## رباعیات خیام

مجموعه شعرهای عمر خیام در قالب رباعی است که در سده‌های پنجم و ششم هجری به زبان فارسی سروده شده‌اند و عمدتاً بیانگر دیدگاه‌های فلسفی او می‌باشند.

به دلیل آن‌که این اشعار از منابع گوناگونی گردآوری شده‌اند، در صحت بعضی از آن‌ها نظر یکسانی وجود ندارد. با این حال مضمون رباعیات خیام را به طور کلی می‌توان به پنج بخش تقسیم کرد: ۱. رازهای جهان هستی ۲. ناگزیری‌های زندگانی (سرنوشت، بی‌وفایی دنیا، مرگ و خاک و کِل ما) ۳. پرسش‌ها ۴. چگونگی زندگانی اجتماعی ۵. دَم‌های خوش زندگانی.

اگرچه به جز این اشعار، خیام دستاوردهای مهم و گوناگون دیگری در زمینه‌های ریاضی و ستاره‌شناسی نیز داشته است و به همین سبب دارای لقب حجة‌الحق بود، اما شهرت جهانی وی بیشتر به واسطه‌ی همین رباعیاتش می‌باشد که به اغلب زبان‌های زنده ترجمه شده‌اند.

از آن‌جا که هیچ دیوان تنظیم‌شده‌ای توسط خود خیام یا دیگران در زمان کوتاهی پس از مرگ وی به دست نیامده است، در مورد تعداد این رباعی‌ها و نیز حقیقی یا جعلی بودن بعضی از آن‌ها اختلاف نظر وجود دارد. از این رو بسیاری از محققان اروپایی و ایرانی به فکر تمیز و تشخیص اشعار قطعی و مسلم وی افتاده‌اند که حاصل آن نسخه‌های متعدد و متفاوتی از رباعیات خیام می‌باشد.

## نسخه‌های ایرانی

ظاهراً نخستین فردی که در ایران به فکر تعیین و تفکیک رباعیات اصیل خیام افتاد غلامرضا رشید یاسمی بود. او در نسخه‌ی خود که در سال ۱۳۰۲ منتشر کرد از بین ۳۴۰ رباعی منتسب به خیام ۲۴۰ رباعی را قابل قبول دانست.

پس از آن صادق هدایت نیز در سال ۱۳۱۳ نسخه‌ای از رباعیات خیام را منتشر کرد. نسخه‌ی هدایت با عنوان «ترانه‌های خیام» شامل ۱۱۹ رباعی است که از نظر مضامین به چند دسته‌ی کلی تقسیم شده‌اند: ۱. راز آفرینش ۲. درد زندگی ۳. از ازل نوشته ۴. گردش دوران ۵. ذرات گردنده ۶. هر چه بادا باد ۷. هیچ است ۸. دم را در بایم.

سپس در سال ۱۳۲۰ محمدعلی فروغی با استفاده از منابع قدیمی، جنگ‌ها و سفینه‌های کتابخانه‌های ایران و ترکیه نسخه‌ای از رباعیات خیام را که شامل ۱۷۸ رباعی منسوب به خیام بود تهیه کرد.

در سال ۱۳۳۶ احمد شاملو هم نسخه‌ای از رباعیات خیام را که دارای ۱۲۵ رباعی است در کتابی به نام «ترانه‌ها» ارائه کرد.

نیز در سال ۱۳۴۴ در کتابی با عنوان «دمی با خیام» ۸۱ رباعی را رباعیات حقیقی خیام می‌داند و ۲۰ رباعی دیگر را علی دشتی «خیامانه» می‌خواند.

در سال ۱۳۸۵ نیز کتاب *دیره سپهر* شامل متن کامل رباعیات خیام به تصحیح جاوید مقدس صدقیانی به چاپ رسید.

## ترجمه‌ها

رباعیات خیام تا کنون ۳۲ بار به زبان انگلیسی، ۱۶ بار به فرانسوی، ۱۲ بار به آلمانی، ۱۱ بار به اردو، ۸ بار به عربی، ۵ بار به ایتالیایی، ۴ بار به ترکی و روسی، ۲ بار به دانمارکی، سوئدی و نروژی، اسپانیایی، پرتغالی، لاتین، چینی، هندی، ارمنی، ژاپنی، یونانی، چک، اسپرانتو، هلندی، مجاری، گالیک، گجراتی، پرونسی، صربی، کاتالان، لزگی، و کردی ترجمه شده است.

در این میان مشهورترین ترجمه ی رباعیات خیام که باعث شهرت عالمگیر او و اشعارش شد، ترجمه ی شاعر فرزانه ی بریتانیایی ادوارد فیتزجرالد در سال ۱۸۵۹ به زبان انگلیسی می‌باشد؛ هرچند که اشعار ترجمه شده توسط فیتزجرالد عاری از ترانه‌های سست و سبک نیست و بسیار بعید به نظر می‌رسد هم ی این سروده‌ها متعلق به خیام باشد.



### بررسی رباعی شمع اصحاب

در میان فیلسوفان و ادیبان بسیاری که به تحلیل و تفسیر آثار خیام و تالیف کتب در باب رباعیات و فلسفه ی حکیم خیام پرداخته اند، استاد محمود فرشچیان نیز با نگاهی ظریف و عمیق در بسیاری از آثار مینیاتور ارزشمند و ماندگار خود از رباعیات خیام و طرز تلقی وی از زندگی بهره ی فراوانی برده است.

در این پژوهش سعی بر این است که به تابلوی "در فروغ سوختن" اثر ماندگار استاد فرشچیان که بر گرفته از رباعی "شمع اصحاب" حکیم عمر خیام است پرداخته شود.

### بررسی رباعی "شمع اصحاب" حکیم عمر خیام و تابلوی مینیاتور

#### "در فروغ سوختن" اثر استاد فرشچیان

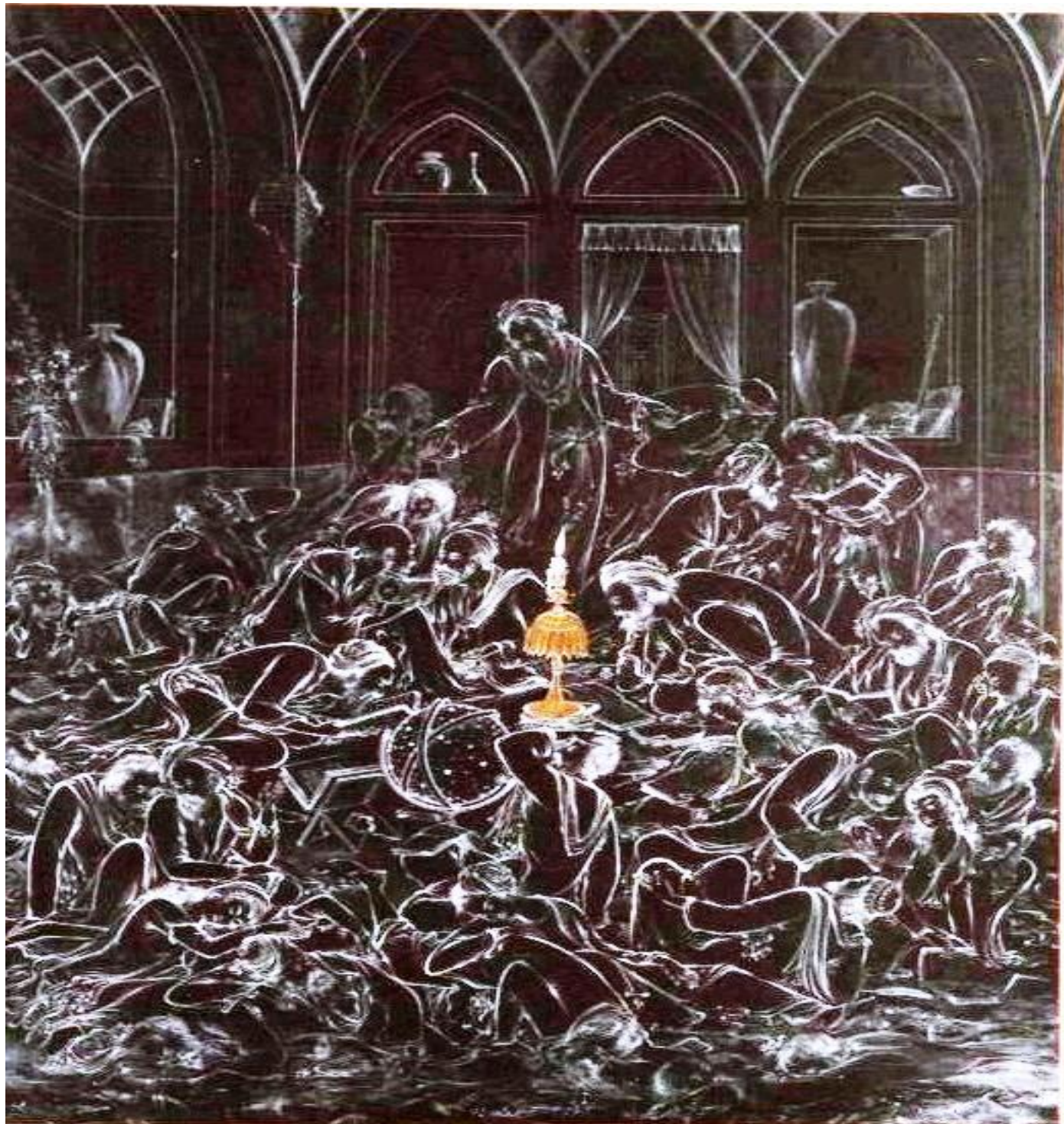
آنان که محیط فضل و آداب شدند	در جمع کمال شمع اصحاب شدند
ره زین شب تاریک نبردند برون	گفتند فسانه ای و در خواب شدند



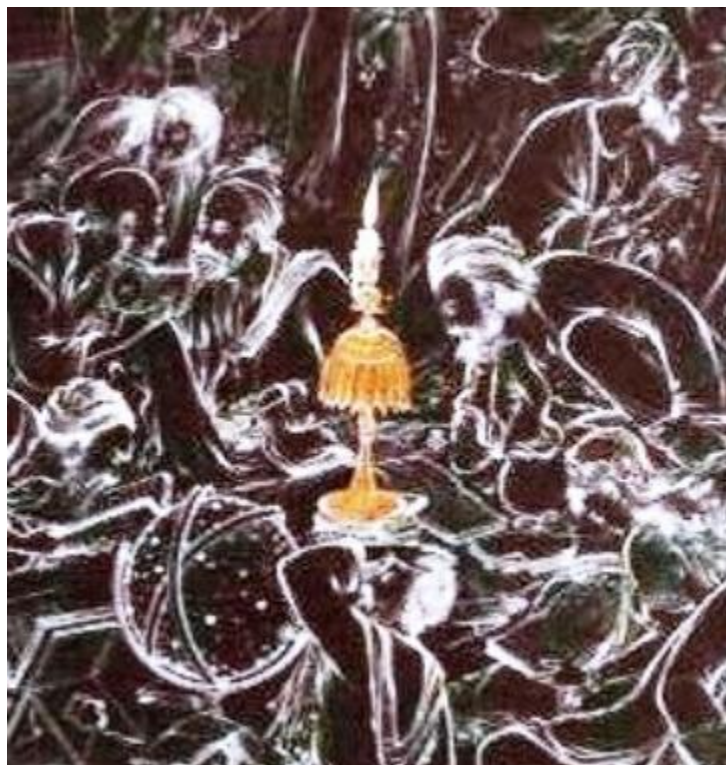
نتیجه رباعی:

عارفان و زاهدان و بزرگان علم و ادب هر یک کوشیده اند تا اسرار خلقت را دریابند اما رازهای هستی آنچنان پیچیده و مبهم بود که تصورات و کوشش های آنان نتیجه ای ندارد و از این دنیا رفتند. (عطاری کرمانی، عباس، هدیه جامع و کامل خیام، نشر آسیم، ۱۳۸۵)

تابلوی " در فروغ سوختن " اثر استاد محمود فرشچیان برگرفته از رباعی بالاست. در زیر به تحلیل ها و تفاسیری که در مورد این اثر بیان شده می پردازیم:



-خیام دانشمند است و شاعر. تعجبی ندارد که تصورات خشک مغزان را با توانایی بی بدیلیش در شعر و آنهم تنها با چند کلمه اسیر تفکر برتر خود نماید و طنز خورد کننده ای را هم چاشنی آن بنگرید که چگونه در بیت اول کلمات عربی و تعابیر عرفانی مانند محیط، آداب، فضل، کمال، جمع، شمع، و اصحاب، که ظاهراً دارای بار معنایی سنگینی هستند را پشت سر هم ردیف میکند، و در بیت دوم تنها با کلمات فارسی، به سادگی و به روانی همه آن حباب معنوی و عرفانی بالا را یکسره میشوید (آنها که اینهمه ادعای معنویت دارند رازی را کشف نکردند، افسانه هایی سر هم کردند و خود از میان رفتند).



-همه آدمها حتی آدمهای صاحب فضل و کمال و دانشمندانی که بهترین، بالاترین و سرآمد دوران خودشون بودند با آنهمه دانایی و توانایی درگذشتند و نتوانستند از دام مرگ فرار کنند و حالا فقط داستان و حکایتی از

آنها باقی مانده است. در احادیث هم داریم که هر دردی چاره و درمان داره الا مرگ.

- درین رباعی القاب ادبا و فضلا را به اصطلاح خودشان می گوید:  
 آنان که «محیط فضل و آداب شدند  
 در جمع کمال شمع اصحاب شدند»  
 به زبان خودش القاب و ادعای آنها را خراب می کند:  
 ره زین شب تاریک نبردند به روز  
 گفتند فسانه ای و در خواب شدند!

- در بیت دوم همیشه پایان شب به روز است و آوردن کلمه "برون" بدلیل اینکه این کلمه پایان شدن را می رساند درست نبوده و این کار همیشگی بشر است که از اسرار الهی آگاه نبوده و نخواهد بود و بایستی تکرار پذیری این امر همیشه نمایان باشد. بنابراین اگر تامل و فکر خود را در این امر به "شب" تفسیر کنیم همانا پی نبردن به این اسرار تا پایان عمر و پدیدار شدن "روز" با اتمام زندگی ما و پرده برداشتن از این اسرار در عالم دیگر پایان می یابد. و در این جهان همیشه "شب" است.  
 در مصراع دوم این بیت نیز کلمه "گویند" یک امر تازه ای بشمار می آید. این در حالی است که فسانه همیشه خوانده می شود نه گفته می شود. چون قبلا خوانده شده اند و سینه به سینه به ما رسیده است. و این همان عدم درک ما از اسرار الهی است.

-در بیت اول می‌گه آنان که محیط فضل و آداب شدند ، به نظرم یعنی آنان که دور یا اطراف فضل بودند و به درون آن راه نیافتند . در جمع کمال شمع اصحاب شدند . یعنی در جمع افراد با کمال فقط توانستند در محیط پیرامون آنها شمعی را برای آنها روشن نگاه دارند. در بیت دوم می‌گه که اینگونه افراد چون خودشان اهل فضل نبودند و فقط ادعای آن راه به جایی نبردند و با اندک تلاشی که کردند نابود شدند و نامی هم آنها باقی نماند.



-در این رباعی خیام به صراحت به جنگ صوفیان و زاهدان رفته و در بیت اول هم با کلامی کاملاً مدبرانه کلمات قلبه سلنبه ی عربی رو که صوفیان استفاده می کردند رو با کنایه ای عمیق به آنها پس می دهد و در بیت دوم که میگوید **ره زین شب تاریک نبردند** به... کاملاً به وضوح خط بطلانی بر تمام عقاید و سخنانشان زده و آن ها را افسانه خوانده است .

-اول: خیام در این شعر به فانی بودن انسان و این که هیچ کس(حتی فاضل و ادیب) از این قاعده مستثنی نیست اشاره کرده است.  
دوم : ناتوانی انسان در کشف واقعیت . ( این ناتوانی در همه وجود دارد حتی در انسان هایی که به فضل و ادب احاطه دارند )

-پیرامون این رباعی، و بطور کلی رباعیات خیام، به این نکته توجه کنیم که خیام در سده ای می زیست که سلجوقیان متعصب و دشمن هر دگراندیشی، عرصه را بر خردمندان تنگ کرده بودند. **فلسفه** نیز از دیرباز مورد نفرت و دشمنی متصوفه و زاهدان و.. بود یکسونگران تنها خود را عالم و فاضل می داستند و کسانی چون خیام را دهری! در این رباعی که یکسونگران را چنین به سخره می گیرد.



-در این بیت خیام ویژگی افرادی را ذکر میکند که به گفته وی (( اقیانوس فضل و آداب )) هستند . این افراد کسی جز زاهدان و شیخان نمیتوانند باشند . چرا که کسی جز آنها نمیتواند چنین ویژگی یا چنین کنایه ای برارنده اش باشد . بارها و بارها قرینه های این مفهوم در ابیات خیام آمده است .  
در ادامه خیام میگوید" این افراد ((افسانه گفتند و مردند ))".  
یعنی اینکه شیخان و زاهدان نه تنها نتوانستند به حقیقتی دست پیدا کنند بلکه آنچه که گفتند هم همگی خطا و دروغ و افسانه بوده است . از همین قرینه افسانه بودن گفته ها پی مبریم که خیام اصطلاح ((محیط یا اقیانوس فضل و آداب )) را با کنایه به افراد مدنظرش گفته و آنها را به نوعی دروغگو و شیاد خطاب کرده است.

"مضمون کلی این رباعی آشکار است ؛ حتی عالمان و فیلسوفان بزرگ نیز از شب تاریک این جهان راه نجاتی نیافتند و سرانجام آنان نیز در خواب شدند و مرگ را به ناگزیر پذیرفتند و تنها افسانه ای از آنان برجای ماند!  
اما رباعی را می توان مفاداری متفاوت تر معنی کرد و گفت: حتی آنان که بر همه آداب و فضایل احاطه یافتند یا محیط [= اقیانوس ] فضل و ادب شدند ، راز و حقیقت این جهان را درک نکردند و سخنانی که در بیان این شب تاریک گفتند تنها مشتبی افسانه بود ؛ افسانه هایی که به کار خواباندن کودکان می آمد و شگفت انگیز اینکه این افسانه ها خود آن فاضلان و ادیبان را به خواب فروبرد ؛ چرا که گویا آنان افسانه خود را باور کرده بودند !! این تفسیر ، رباعی را علاوه بر مفهوم فلسفی ، با نوعی طنز تلخ و گزنده نیز همراه می کند !"  
( دکتر ترکی ، ویلاگ فصل فاصله).



نظرات کارشناسان موزه استاد فرشچیان در مورد تابلو "در فروغ سوختن" استاد فرشچیان :

-انسان هایی که به دانش و معرفت بالایی دست پیدا کرده اند، ولی در برابر تمام علوم موجود در این دنیای هستی ،علم اندکی دارند و مثل نور شمعی که در تاریکی روشن است ، تنها محدوده اطراف خود را روشن میکند و همه این انسان ها از میان همه این علوم افسانه ای میگویند و به خواب ابدی فرو میروند.(مصاحبه با لاله محمد پور،۹۱۱۳)

- انسانهای در این تابلو به تصویر کشیده شده اند که سعی بر شناخت خداوند طرق از مختلف(فلسفه ،نجوم و کتب آسمانی ،...) دارند.ولی در نهایت همه فانی شده اند،حتی کمال یافته ترین انسان ها نیز شناختی که از خداوند بدست می آورند بسیار محدود است.همان طور که یک شمع در محیطی تاریک میتواند روشنایی اندکی پدید آورد،یک انسان هم در نهایت علم و دانش می تواند به علم الهی به طور محدودی دست یابد.  
( مصاحبه با مهناز اسد اله،۹۱۱۳)



-عالمان و فاضلانی که در جستجوی علم و دانش عمرشان را سپری کرده اند ، با این وجود تمامی آنها حالتی سرگشته و حیران دارند که دلیل بر جهلشان است. جهل نسبت به علم لایزال الهی .انسان هر اندازه هم که به کسب علم پردازد ، در مقایسه با علم الهی بسیار اندک است و به کور سویی می ماند. دانسته های انسان نسبت به جهان هستی محدود است. عالمان در اوج دانایی خود در جهل به سر میبرند و به صورت سیاه و سفید به دنیا می آیند و به صورت سیاه و سفید نیز از این دنیا میروند و تنها در فروغ اندک شمع علم و آگاهی به جزئیات جهان هستی پی میبرند ، حقایق و کلیات بر آنها تا ابد پوشیده می ماند.(نظرات پژوهشگر، ۹۱۱۳)

منابع و ماخذ:

هاشمی ، حمیدزندگی نامه شاعران ایران، انتشارات فرهنگ و قلم، سال ۱۳۸۸

عطاری کرمانی، عباس، هدیه جامع و کامل خیام، نشر آسیم، سال ۱۳۸۵

وبلاگ فصل فاصله

ویکی پدیا(دانشنامه آزاد)

مصاحبه با کارشناسان موزه استاد فرشچیان ، سال ۹۱۱۳